

این مقاله تلاش دارد تا از طریق به کار گرفتن رویکرد ارج شناسی (Anerkennung/Recognition) که نخست توسط فیشته و هگل طرح شد و اخیراً توسط اکسل هونت صورت بندی نوینی پیدا کرده است، نشان دهد که این رویکرد در مقایسه با رویکرد موسوم به واقع گرایی (بر پایه شر دانستن ماهیت بشر: ماکیاولی-هابز)، و رویکرد موسوم به آرمان گرایی یا لیبرالی (بر پایه خوش بینی نسبت به ذات بشر: متفکران عصر روشنگری-کانت) توضیح مناسب تری در مواجهه فلسفی با موقعیت مرزی نه جنگ، نه صلح و زیستن در میانه چنان موقعیتی فراهم می آورد. در این رویکرد هدف مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن - نه حفظ اتم وار خود بلکه استقرار مناسباتی میان سوژه های اجتماعی بر مبنای قبول و به رسمیت شناختن یکدیگر است. گرچه هدف ارج شناسی، خودبستگی یا خودمختاری سوژه های انسانی است ولی این خودبستگی از طریق طی کردن سه مسیر عشق که اعتماد به نفس (Self Confidence) می آورد، برابری حقوقی که احترام به نفس (Self Respect) می آورد و همبستگی که تکریم نفس (Self Esteem) می آورد، هم از «خودبستگی مرکز از دست داده» دور می ماند و هم از «مبارزه برای صیانت نفس و حفظ بقاء». در نتیجه چنین رویکردی فرد می تواند از چهارچوب جهان خودخواهی (Egocentrism) خارج شود، امکان ایجاد ارتباط با دیگران را فراهم آورد و نقشی در ایجاد شرایط امکان صلح ایفاء کند. فقدان ارج شناسی در این مقاله از طریق ساخت گشایی اصطلاح «غرشماری»، مفهومی آشنا در فرهنگ سرزمین مان ایران، صورت بندی می شود و بحث می شود که صلح برای فرد یا ملتی که به رسمیت شناخته نشده اند معنایی جز کناره گیری از جهان و یا جذب در نظمی که سیاست سازان جهان به رسمیت شناخته شده ساخته اند، ندارد. مقاله با ملاحظاتی ناظر بر ضرورت اعتراف به غرشماری، ضرورت جدال برای شمرده شدن و در نهایت ضرورت گفتگو با فرهنگ های دیگر برای پی ریزی شرایط امکان صلح پایان می یابد.

واژگان کلیدی: ارج شناسی، اعتماد به نفس، احترام به نفس، تکریم نفس، امکان صلح

¹ عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران: mesbahian@ut.ac.ir